روزشمار انتخابات

هدف احیای بخش خصوصی است

● شرق: ماراتن انتخاباتی اتاق بازرگانی آغاز شده است و گروه‌های مختلفی برای شرکت در این انتخابات اعلام آمادگی کرده‌اند. یکی از این گروه‌ها، گروهی است که تحت عنوان «کانون کارآفرینان توسعه‌گرا» برای شرکت در این انتخابات اعلام آمادگی کرده است. این گروه با محوریت مدیران فعال در حوزه احداث و عمران تشکیل شده است. البته این گروه در اولین نشست مطبوعاتی خود انتخابات اتاق را هدف اصلی گروه ندانسته و اظهار کرده که بیشتر به‌دنبال متشکل‌کردن کارآفرینان است. محمد صدرهاشمی‌نژاد از اعضای باسابقه اتاق بازرگانی و عضو شاخص این گروه است که در گفت‌وگوی کوتاهی از هدف این گروه بیشتر می‌گوید:

عنوان گروه شما چیست و چه هدفی را برای شرکت در انتخابات اتاق بازرگانی دارید؟

«کانون کارآفرینان توسعه‌گرا» عنوان گروهی است که قرار است در انتخابات اتاق بازرگانی شرکت کند. اعضای این گروه، از فعالان بخش خصوصی تشکیل شده است. هدف این گروه، صرفا اتاق بازرگانی نیست. اعضای این گروه باور دارند که باید یک هدف، به‌عنوان هدفی اصلی دنبال شود و آن، احیای بخش خصوصی است. به طور کلی اصلاح اقتصاد ایران ممکن نیست مگر اینکه بخش خصوصی احیا شود. تجمیع اعضای اتحادیه‌ها و سندیکاها و اعلام راهکارها و مشکلات اقتصادی از راهکارهایی است که این گروه برای احیای بخش خصوصی اتخاذ کرده است. همان‌طور که پیش از این اشاره کردم توجه به بخش خصوصی در دستور کار این گروه قرار دارد. تلاش برای شکل‌گیری اقتصاد رقابتی و بازارمحور، از دیگر اهداف این گروه است. تشویق و ترغیب کارآفرینان برای توجه به مسوولیت‌های اجتماعی، از دیگر رویکردهایی است که این گروه دنبال می‌کند. برای ایجاد اقتصادی سالم باید جامعه مدنی و بخش خصوصی را تقویت کنیم تا بتوانیم فساد موجود را در اقتصاد کشور برطرف کنیم.

اختلاف این گروه با دیگر گروه‌های فعال در اتاق بازرگانی و انتخابات چیست؟

ما هیچ اختلافی با هیچ گروهی نداریم. تنها تفاوت برداشت است که وجود دارد. بسیاری از نهادهای مدنی و مردمی و حتی «ان‌جی‌اوها» تبدیل به چندین صندلی شده‌اند که عده‌ای برای تصاحب آن رقابت می‌کنند. ما در پی آن هستیم اهدافی را که به آن اشاره کردیم، از طریق اتاق بازرگانی دنبال کنیم. اما ما برای رفتن به اتاق بازرگانی اصراری نداریم و در پی تصاحب هیات نمایندگان اتاق بازرگانی نیستیم؛ چراکه باور داریم که اهداف‌مان را از راه‌های مختلفی می‌شود دنبال کرد.

آیا باور دارید که پیگیری این اهداف از طریق اتاق بازرگانی ممکن نیست یا این اتاق ظرفیت لازم را برای به‌دست‌آمدن این اهداف ندارد؟

خیر، اتفاقا اتاق بازرگانی ظرفیت بالایی در این مسیر دارد اما متاسفانه این ظرفیت بالقوه تابه‌حال بالفعل نشده است. من به‌شخصه پیش از این در هیات نمایندگان اتاق بازرگانی حضور داشتم اما شرایط لازم برای پیگیری اهداف که همان احیای بخش خصوصی است، مهیا نبود. اتاق بازرگانی باید استقلال خود را به‌طورکامل به‌دست آورد. یادآوری این نکته ضروری است که دولت‌ها در ایران در پی احیای بخش خصوصی نیستند؛ نه می‌توانند و نه می‌خواهند. بعضی از دولت‌ها اساسا اعتقادی به بخش خصوصی ندارند و همه تلاش خود را به کار می‌گیرند که بخش خصوصی را بخشکانند؛ روندی که در دولت پیشین شاهد آن بودیم و تنها برای عقب‌نماندن از قانون و شعار، به ایجاد بخشی شبه‌خصوصی دست می‌زنند که بخش خصوصی را بیشتر از این تحت فشار قرار می‌دهند. برخی از دولت‌ها هم هستند که با بخش خصوصی مخالفتی ندارند اما هیچ تلاشی در جهت احیای بخش خصوصی نمی‌کنند. دولت‌ها در ایران دوست ندارند محوریت اقتصاد از دست دولت خارج شود و به دست بخش خصوصی بیفتد. تنها لطفی که این دولت‌ها دارند، این است که دخالتی در فعالیت بخش خصوصی نمی‌کنند. باز هم تاکید می‌کنم که اصلاح اقتصاد ایران از طریق بخش خصوصی و «ان‌جی‌اوها» آغاز می‌شود و تنها فعالیت و مشارکت مدنی و اقتصادی بخش خصوصی است که می‌تواند فضا و بستر لازم را برای شکل‌گیری اقتصاد رقابتی و سالم محقق کند. ما باور داریم اقتصاد مردمی و مقاومتی فقط از طریق آزادشدن نیروهای بخش خصوصی محقق می‌شود و با این تفسیر، تفاوتی میان اقتصاد مردمی و اقتصاد مقاومتی وجود ندارد.

به‌نظر می‌رسد رویکرد شما با تحول‌خواهان، گروه دیگری که در انتخابات اتاق بازرگانی شرکت می‌کنند، بسیار نزدیک است؛ آیا شما از دل این گروه ایجاد شده‌اید؟

خیر. تحول‌خواهان خود ما هستیم! ما تحول‌خواهی و تغییر رویکرد در اتاق بازرگانی را بنیانگذاری کردیم. شروع فعالیت ما از ۱۳سال پیش آغاز شد و در سال‌های اخیر، تحولات زیادی در اتاق بازرگانی صورت گرفت. در طول این چندسال انحصار و اختصاصی‌بودن اتاق بازرگانی تا حدود زیادی شکسته شد.

عکس: رئوفه رستمی، شرق

همه سناریوهای جبران درآمدهای نفتی در گفت‌وگو با حسن سبحانی

نفس اقتصاد ملی را نگیریم

۱۵ سال زمان نیاز است که اقتصاد مالیات‌محور شود

شرق: نفت ۱۰۵دلاری به کمتر از ۵۰دلار در هر بشکه رسیده است و نفت ۴۰دلاری چه در سال‌جاری و چه در سال۹۴، دور از انتظار نیست. دولت نفت ۷۲دلاری را به مجلس پیشنهاد داده و در صورت عدم‌تغییر این رقم، کسری بودجه قابل‌توجهی در انتظار دولت است. برای کاهش هزینه‌ها سناریوهای زیادی پیش‌روی دولت است که دولت‌ها کمتر سراغ آنها رفته و سناریوهایی هست برای تامین درآمدهای دولتی که اصولا دولت‌ها در شرایط اضطرار نیم‌نگاهی به آنها داشته‌اند. کاهش بودجه‌های عمرانی، عدم‌افزایش حقوق کارمندان، استقراض از نظام بانکی و چاپ پول، افزایش نرخ ارز در بازار آزاد و برداشت از صندوق توسعه ملی همه راهکارهایی است که در گفت‌وگو با حسن سبحانی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران بررسی می‌شود. اصل گفت‌وگو بر این است که دولت به هرکدام از این راه‌ها که متوسل شود چه پیامدی در انتظارش است.

بانک‌مرکزی چندی پیش آماری را منتشر کرد که نشان می‌داد در سه‌ماهه اول امسال، دولت ۱۸هزارمیلیاردتومان کسری بودجه داشته است. این کسری در شرایطی است که قیمت نفت هنوز سقوط نکرده بود. حال با افت ۴۰دلاری قیمت نفت پیش‌بینی شما از شرایط کسری بودجه در ماه‌های باقیمانده از سال‌جاری چیست؟

آمار مربوط به کارکرد بودجه را خزانه‌داری کل باید ارایه دهد اما آنچه از طرف بانک‌مرکزی اعلام شده در شش‌ماهه اول شرایطی را نشان می‌دهد که به موجب آن درآمدهای بودجه به‌طورکامل محقق نشده است اما کسری بودجه‌ای هم وجود ندارد. با توجه به قوانینی که داریم به دولت اجازه داده شده که هزینه‌هایش را متناسب با درآمدهایش سامان دهد؛ یعنی هرقدر درآمدی حاصل نشود دولت می‌تواند به همان میزان هزینه‌ها را محقق نکند. پس در این شرایط دولت می‌تواند از طریق عدم‌تخصیص، عدم‌تامین درآمدها را پوشش دهد. پس می‌توان گفت ما کسری بودجه نداریم، اما عدم‌تحقق داریم. دولت در آماری که برای شش‌ماهه اول سال۹۳ ارایه داده بیان کرده که ۷۹/۶درصد درآمدهایش محقق شده است. دولت هم به همین میزان یعنی حدود ۲۱درصد هزینه‌ها را تخصیص نداده است. پس کسری بودجه‌ای نداشتیم، فقط بخشی از بودجه تحقق‌یافته است. این کارکرد شش‌ماهه اول است و اگر روند شش‌ماهه اول ادامه پیدا کند به‌نظر نمی‌رسد کمتر از ۷۵درصد درآمدها وصول شود و عدم‌وصول ۲۵درصدی هم صرفا به نفت برنمی‌گردد. بر این اساس اگر مبنا بر شش‌ماهه اول باشد، شرایط در شش‌ماهه دوم خیلی بدتر نخواهد شد.

پس تاثیر کاهش قیمت نفت چه می‌شود؟ در نیمه اول سال قیمت نفت ۱۱۰دلار بوده و حالا به زیر۵۰دلار سقوط کرده؛ یعنی می‌توانیم بپذیریم نوسان نفت بر بودجه نفتی ما تاثیری ندارد؟

بودجه را از حیث تامین درآمدهای نفتی برای ۳۶۵روز حساب می‌کنند. اگر روزها یا هفته‌هایی قیمت نفت کاهش پیدا کند، تاثیر این کاهش بر ۳۶۵روز اعمال نمی‌شود. کاهش قیمت محدود به همین روزهاست. دولت در شش‌ماهه اول، ۹۲/۵درصد از درآمد صادرات و فروش نفت‌خام و میعانات گازی را تامین کرده است؛ این یعنی در شش‌ماهه اول مشکلی نیست. اما در شش‌ماهه دوم حتما این رقم را تامین نمی‌کند، اما نمی‌توان قیمت نفت را هم پیش‌بینی کرد. چون با توجه به اینکه به سمت زمستان می‌رویم تقاضا برای نفت آنقدر پایین نخواهد آمد که قیمت نفت بشکند. اگر بحث‌های سیاسی مطرح باشد در مورد نفت، آن وقت باید قیمت را به گذر زمان واگذار کرد. آنچه محل نگرانی است وابستگی بودجه یک کشور به نفت است آنقدری که وابستگی ما به نفت نگران‌کننده است، احتمال کسری بودجه نگرانی ندارد. چون ممکن است ظرف چند ماه مشکل قیمت نفت برطرف شود اما این وابستگی سال‌هاست که با ماست. ما عادت کرده‌ایم که هر سال ۲۰ تا ۳۰درصد عدم تحقق بودجه داشته باشیم و چون این عدم تحقق یک امر معمول است، چندان اقتصاد ما را به هم نمی‌ریزد.

در یک‌بازه زمانی طولانی ما همیشه نگران وابستگی به نفت بوده‌ایم. اما مساله پیش روی ما نحوه تامین منابع و پرداخت هزینه‌های دولت است. کفه هزینه‌ها همچنان در سال۹۴ سنگین است و در مقابل بخش عمده‌ای از منبع درآمدی دولت از محل فروش نفت کاهش یافته است. پس یا دولت باید از هزینه‌ها بزند یا منابع درآمدی جدیدی کشف کند.

پاسخ به این سوال به یک‌سوال دیگر بازمی‌گردد. دولت اول باید مشخص کند که چندمیلیون‌لیتر نفت می‌تواند بفروشد. اگر بتواند تعداد بشکه‌های صادرات نفت را افزایش دهد و مثلا از یک به دومیلیون‌بشکه برساند این کاهش ۳۰درصدی قیمت نفت در بودجه۹۴ به ۹۳ چندان مشهود نیست و دولت هم به دردسر جدی‌ای نمی‌افتد. درست است که سرمایه از کشور خارج می‌شود اما کسری درآمد برطرف می‌شود، اما اگر دولت نتواند این فاصله را از طریق افزایش صادرات نفت جبران کند آن‌وقت باید بخش‌های دیگر را تحت‌فشار قرار دهد. اولین هدف هم بودجه عمرانی است. چون دولت توان و اراده کاهش هزینه‌های جاری را ندارد پس به سراغ هزینه‌های عمرانی می‌رود. می‌توان راهکارهایی برای کاهش هزینه‌ها ارایه داد اما تجربه نشان داده ما هرگز هزینه‌های جاری را حذف نمی‌کنیم.

درست است. بودجه عمران همیشه اولین هدف است. در لایحه بودجه همواره روند اعداد مطرح‌شده در مورد عمران افزایشی است و وقتی زمان تحقق می‌رسد روند همیشه کاهشی است.

براساس آنچه در قانون۹۳ پیشنهاد شده بود قرار بود ۴۱هزارو۲۵۱میلیاردتومان به بودجه عمرانی اختصاص یابد؛ یعنی باید در شش‌ماهه اول امسال حدود ۲۰هزارمیلیاردتومان از این بودجه محقق می‌شد. اما آمارها می‌گوید از این ۲۰هزارمیلیارد نیمی از آن یعنی ۱۰هزارو۸۰۰میلیاردتومان آن اختصاص یافته است؛ یعنی در شش‌ماهه اول سال تنها ۵۰درصد از بودجه عمران محقق شده است. یا به عبارتی ۲۵درصد بودجه اختصاص یافته است اما با توجه به اینکه عمده کارهای عمرانی در فصل تابستان انجام می‌شود به‌نظر نمی‌رسد در ادامه سال تغییر خاصی در بودجه محقق‌شده بخش عمران رخ دهد. در نتیجه می‌بینیم که بودجه عمران بیشتر به سمت بودجه جاری میل پیدا می‌کند.

در خوشبینانه‌ترین حالت، بودجه عمران ۲۵درصد محقق شده و تا چندماه باقیمانده امسال هم درصد کمی محقق می‌شود. در نهایت آمار تحقق بودجه عمران در این دولت هم مانند دولت‌پیش است. دلیل چیست؟ بودجه جاری جایی برای تحقق بودجه‌های عمرانی نمی‌گذارد یا دولت‌ها دغدغه آن را ندارند؟

این سوال سختی است. دلیل اول آن این است که هردولتی که در ایران روی کار بیاید، صرف‌نظر از مشی سیاسی به‌لحاظ اقتصادی با مسایل مشخصی روبه‌روست و چون سیاست‌های اقتصادی‌ای که دولت‌ها برای مواجهه با این مشکلات اتخاذ کرده‌اند سیاست‌های واحدی بوده پیامد راهکارها هم تا حدودی مشابه همدیگر بوده است. راهکار بودجه به این صورت است که برای نمونه در لایحه بودجه سال۹۳ که دولت به مجلس ارایه کرد، به نحوی بود که اگر کشور بخواهد همه درآمدهای خود مانند مالیات و سایر درآمدها منهای درآمد نفت را صرف امور جاری کند و حتی به اندازه یک آجر کار عمرانی انجام ندهد، ۵۰هزارمیلیاردتومان کسر بودجه عملیاتی پیش می‌آمد. این نشان می‌دهد ما خیلی بیشتر از آنکه درآمد داریم هزینه می‌کنیم. منشأ آن هم این است که مبنای هزینه دولت‌ها در لایحه بودجه عملکرد یا عملکرد مصوب سال گذشته‌شان است. از طرفی ما قانونی برای نحوه نوشتن قانون بودجه نداریم. بنابراین دولت‌ها معیاری ندارند که باید بودجه را چگونه تدوین کنند. پس بودجه به هرنحوی که تدوین شود، غیرقانونی نیست. از طرفی مجلس هرتغییری در لایحه بودجه ایجاد کند هم غیرقانونی نیست به خاطر اینکه قانونی وجود ندارد. همین عاملی بود که در برخی از سال‌ها احمدی‌نژاد به لاریجانی نامه می‌نوشت که آنچه به عنوان قانون بودجه تصویب شده، طرح نمایندگان است و نه لایحه دولت. ساختار بودجه به‌لحاظ هزینه‌ها بسیار بالاست و دستگاه‌های بسیاری سوار بودجه شده‌اند اما پیاده نمی‌شوند با اینکه بسیاری از این دستگاه‌ها به موجب قانون به وجود نیامده‌اند که از بودجه استفاده کنند. همه اینها سبب شده در گذر ایام هزینه‌های جاری تلنبارشده‌ای وجود داشته باشد که همه درآمدها را می‌بلعد و سهمی برای بودجه عمرانی باقی نمی‌گذارد.

> **پاسخ به این سوال به یک‌سوال دیگر بازمی‌گردد. دولت اول باید مشخص کند که چندمیلیون‌لیتر نفت می‌تواند بفروشد. اگر بتواند تعداد بشکه‌های صادرات نفت را افزایش دهد و مثلا از یک به دومیلیون‌بشکه برساند این کاهش ۳۰درصدی قیمت نفت در بودجه۹۴ به ۹۳ چندان مشهود نیست و دولت هم به دردسر جدی‌ای نمی‌افتد. درست است که سرمایه از کشور خارج می‌شود اما کسری درآمد برطرف می‌شود**

هرگاه بحث اقتصاد بدون نفت مطرح شده، مهم‌ترین راهکار تکیه بر مالیات بوده و امسال هم که تکیه اصلی بودجه بر مالیات است. چقدر درآمدهای مالیاتی می‌تواند جایگزین درآمدهای نفتی شود و هزینه‌های بودجه را تامین کند؟

اگر افق بلندمدتی را در نظر بگیریم، این امکان وجود دارد. در میان‌مدت این کار عملی نیست.

بلندمدت یعنی چندسال؟

مثلا یک اقتصادی که سیستم آن خوب کار کند، حداقل ۱۵سال زمان نیاز دارد که اقتصادش مالیات‌محور شود.

سیستم اقتصادی ما خوب کار می‌کند؟

نه! اما این شرطی است که باید برای مالیاتی‌کردن اقتصاد محقق کرد. در برنامه چهارم توسعه عنوان شده بود که تا پایان برنامه چهارم توسعه وابستگی اقتصاد ایران به نفت قطع خواهد شد. این برنامه در سال۸۴ پایان گرفت و نزدیک یک‌دهه از آن زمان می‌گذرد. اینکه موضوع در برنامه‌پنجم هم مطرح شد و ما در آستانه تدوین برنامه‌ششم هستیم. الان هم زمانی که ما بودجه را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم ۵۰ تا ۶۰درصد اقتصاد وابسته به نفت است. طبیعی است وابستگی ما به نفت در بودجه در میان‌مدت از بین نمی‌رود.

الان چنددرصد بودجه از طریق مالیات تامین می‌شود؟

از بودجه ۲۱۱هزارمیلیاردتومانی سال۹۳ قرار بوده ۷۰هزارمیلیاردتومان یعنی یک‌سوم آن از محل مالیات تامین شود. در سال گذشته عملکرد مالیاتی ما ۴۲هزارمیلیاردتومان بوده است. پس ۷۰هزارمیلیاردتومان یک قصد بسیار بلندی است که نمی‌توان به تحقق آن چندان امیدوار بود. هرچند گفته می‌شود در شش‌ماهه اول سال‌جاری ۸۹/۳درصد آن محقق شده است. حتی اگر مالیات مصوب محقق هم شود، یک نکته را باید مدنظر قرار داد؛ آن هم این است که مالیات باید منجر به رونق اقتصادی شود. در شرایط رکود، اخذ مالیات می‌تواند رکود را تعمیق کند، یعنی پتانسیل اینکه ما مالیات را از تولیدکننده بگیریم، وجود ندارد. پس مصرف‌کننده باید بخش زیادی از مالیات را بپردازد. در سال۹۳ مجلس ۱۸هزارو۲۰۰میلیاردتومان برای مالیات بر ارزش‌افزوده تصویب کرد، یعنی یک‌پنجم مالیات از مصرف‌کننده دریافت شده است. توجه به این نکته ضروری است که در مدت عمر اخذ مالیات بر ارزش‌افزوده درصد رشد این مالیات به مراتب بیشتر از درصد رشد سایر مالیات‌ها بوده است. اصل حرفم این است که اگر یک منبع مالیاتی مدام به ما مالیات بدهد و ما مدام نرخ مالیات را بالا ببریم این دلیل سالم‌بودن نظام مالیاتی نیست.

به‌نظر می‌رسد یکی از راهکارهای دولت برای جبران کسری استقراض از بانک مرکزی باشد.

به موجب قانون دولت حق ندارد از بانک‌مرکزی استقراض کند و به همین دلیل سال‌های زیادی است که این کار اتفاق نمی‌افتد. استقراض غیرمستقیم ممکن است به این صورت باشد که دولت و مجلس با هم در قانون بودجه به نظام بانکی توصیه کنند که به برخی از شرکت‌های دولتی تسهیلات بدهند؛ یعنی به جای اینکه از بودجه عمومی به شرکت‌ها پول بدهند اجازه بدهند که از سیستم بانکی قرض بگیرند. این نوع از استقراض بارها اتفاق افتاده است و چه‌بسا این قرض‌ها روی هم تلنبار می‌شود و دولتی برعهده می‌گیرد که سال‌ها بعد این قرض را پرداخت کند.

خب اگر دولت واقعا با مشکل مواجه شود می‌تواند از بانک‌ها و شبکه بانکی استقراض کند؟

دولت مستقیما نمی‌تواند. اما می‌تواند به مجلس پیشنهاد دهد. اما به‌نظر من این احتمال ضعیف است. بدون تعارف بگویم که ما یک‌نظام اجرایی تقنینی داریم که اینها ضمن اینکه در عمل اراده اصلاح بودجه را نمی‌کنند اما حاضر نیستند از شعارهای خوبشان دست بکشند. نه دولت پیشنهاد خواهد داد که برای تامین کسری بودجه از بانک قرض بگیرد و نه مجلسی‌ها این را تصویب می‌کنند.

برداشت از صندوق توسعه ملی هم راهکار دیگری است که دولت در ماه‌های اخیر به کرات به آن اشاره کرده و آن را یکی از راهکارهای تامین کسری بودجه خود دانسته است. برداشت از صندوق چه تبعاتی دارد و آیا می‌توان از این صندوق برداشت کرد؟

بعید می‌دانم به دولت اجازه داده شده باشد که از صندوق توسعه ملی برای تامین کسری بودجه استفاده کند. اینطور نیست.

دولت اسم این اقدام را برداشت از صندوق برای تامین کاهش درآمدهای نفتی می‌داند و معتقد است برنامه‌چهارم توسعه این اجازه را به دولت داده است.

برنامه‌چهارم تمام شده و ما در آخرین سال برنامه پنجم هستیم. پس نمی‌توان به آن برنامه استناد کرد. اما توجه داشته باشید که صندوق توسعه ملی صندوقی است که موارد هزینه‌ای قابل‌انعطافی دارد. به دلیل همین قابل انعطاف‌بودن، همیشه در برداشت از آن نقض غرض وجود دارد. ما می‌گوییم، می‌خواهیم وابستگی دولت به نفت را کم کنیم، برای همین سالانه بخشی از درآمدهای نفتی را وارد صندوق می‌کنیم. خب این به‌آن معناست که این درآمد را مجددا وارد سیستم دولت نکنیم. اما باز در قانون بودجه با اجازه مجلس، دولت از همان صندوقی که قرار بوده برای توسعه خرج شود، برداشت می‌کند. خب اگر قرار است از صندوق توسعه برای کارهای دولتی و بودجه جاری استفاده کنیم چرا صندوق تاسیس می‌کنیم؟ اینها همه نشان‌دهنده عدم اراده دولت است. همه‌ساله هم مبالغی از این صندوق در اختیار دولت قرار می‌گیرد تا صرف امور مختلف شود. اینکه دیگر هنر دولت در خرج بهینه بودجه نیست.

خب ممکن است اگر همه این راه‌ها جواب ندهد یک‌راه باقی بماند؛ افزایش قیمت دلار؛ راهی که دولت دهم از آن استفاده کرده بود و این موضوع صراحتا در گزارش دیوان محاسبات عنوان شده بود که دولت یارانه‌های نقدی را از افزایش قیمت ارز آزاد در بازار تامین کرده بود.

استفاده از مابه‌التفاوت قیمت ارز در بودجه‌های ما پیش‌بینی نمی‌شود. اما هرکسی به این سمت برود از نظر ادبیات بودجه‌نویسی بی‌انضباطی مالی کرده است. چون اصلا پیش‌بینی نمی‌شود. پس دولت نمی‌تواند در بودجه چنین موضوعی را عنوان کند. اما می‌تواند از این ابزار استفاده کند. اگر برای هدفمندی یارانه‌ها استفاده شده به این دلیل است که یک شرکتی در ساختار دولت برای پرداخت یارانه‌ها از این راه استفاده کرده اما باز هم برای کسری بودجه نبوده است. قصد من ارزش‌گذاری نیست. فقط دارم آدرس می‌دهم که بگوییم این منابع را به این شرکت بردند. در مورد این دولت هم شناختی که از تفکر اقتصادی مسوولان دارم، این است که به اقتصاد آزاد فکر می‌کنند و در آن ارز تک‌نرخی باید باشد. البته ممکن است در شرایط خاص، دولت ارز چند نرخی داشته باشد و حتی آن را با قیمت بالاتری در بازار آزاد بفروشد اما نتیجه آن، این است که این اقدام به تولید ضربه می‌زند. اما قطعا این امر نباید راهی برای تامین کسری درآمدهای دولتی باشد. ممکن است اگر اوضاع مناسب نباشد دولت از این راه هم استفاده کند. دولت‌ها در ایران ناخواسته قبل از آنکه به تولیدکننده‌ها کمک کنند به تجار و صادرکنندگان کمک می‌کنند. اگر بخواهیم ریشه ناکامی اقتصاد را بدانیم باید به این موضوع بپردازیم که چرا دولت قبل از تولید به فکر تجار است. چون به فکر صادرکننده هستیم بدمان نمی‌آید که قیمت ارز و دلار را بالا ببریم که درآمد صادرکننده بیشتر شود. البته به‌نظر می‌رسد دولت هم به گزینه افزایش قیمت دلارآزاد فکر می‌کند. قیمت ارز مبادله‌ای در یک‌سال‌ونیم اخیر بالغ بر ۲۰۰تومان افزایش داشته است و مدام فاصله آن با ارز آزاد کمتر می‌شود. قیمت دلار را در بودجه۹۴، دوهزارو۸۵۰تومان پیشنهاد داده‌اند. به‌نظر می‌رسد افزایش قیمت دلار گزینه بدی هم نیست.

مذاکرات هسته‌ای اگر به نتیجه برسد با توجه به اینکه می‌گویند پیش‌نویس توافق نهایی هم آغاز شده است، چه تاثیری در اوضاع اقتصادی دولت می‌گذارد، به‌خصوص که مدام وعده می‌دهند منابع بلوکه‌شده ایران آزاد خواهد شد.

اگر این اگرها محقق شود، ما رونق مقطعی‌ای خواهیم داشت. تصور اینکه مشکل ما فقط مشکل ارتباط با خارج است، تصور صحیحی نیست. اما نمی‌توان نقش ارتباط با دنیای خارج را هم کتمان کنیم. اما موضوع آزادسازی منابع بلوکه‌شده، اینها ذخایر بانک‌مرکزی است و به دولت ربطی ندارد. گیرم آزاد شود. دولت چه نفعی می‌برد. این برای اقتصاد ملی خوب است، اما لزوما برای اقتصاد دولت نمی‌تواند راه چاره باشد. مگر اینکه نفت بیشتری بفروشیم که درآمد بیشتری کسب کنیم. در این حالت اقتصاد دولت نفس می‌کشد اما این به معنای نفس‌کشیدن اقتصاد ملی نیست. آنچه ما را نجات می‌دهد، این است که اقتصاد ملی جان بگیرد و نفس بکشد.

خبر

انحلال سازمان هدفمندی یارانه‌ها تایید نشد

● **ایسنا:** مشاور سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وجود مصوبه‌ای برای انحلال سازمان هدفمندی یارانه‌ها را تایید نکرد. بحث‌های مربوط به انحلال و جابه‌جایی سازمان هدفمندی در شرایطی مطرح می‌شود که در شهریورماه سال گذشته، رییس‌جمهور مسوولیت سازمان هدفمندی و نظارت بر آن را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (معاونت برنامه‌ریزی سابق) سپرد و این سازمان از بدنه وزارت اقتصاد جدا شد.

شورای رقابت:

کارت طلایی خودرو اجباری نیست

● **ایسنا:** رییس شورای رقابت با تاکید بر اختیاری‌بودن ارایه کارت طلایی خودرو به مشتریان، گفت: هیچ خودروسازی نمی‌تواند کارت طلایی خودرو را به اجبار به مشتریان بفروشد و آنها باید در این زمینه مختار باشند. رضا شیوا در توضیح این موضوع گفت: خودروسازان داخلی براساس ضوابط و قواعد وزارت صنعت، معدن و تجارت باید خودروهای خود را تا ۴۰۰۰کیلومتر یا دوسال بعد از فروش ضمانت کنند و هر خودروسازی باید این قانون را رعایت کند، اما باتوجه به اینکه برخی خودروسازان، خودروهای خود را به‌صورت اقساطی در اختیار مشتریان قرار می‌دهند، آنها را تا پایان اقساط بیمه بدنه می‌کنند که تا به‌اتمام‌رسیدن اقساط، خودرو کمترین آسیب را ببیند، ولی برخی این خدمات را در قالب کارت طلایی به مشتریان ارایه می‌دادند و مشتری را مجبور به پرداخت مبلغی بابت این کارت می‌کردند، درحالی‌که این کارت نباید اجباری باشد و باید به‌صورت اختیاری در اختیار خریدار قرار گیرد، چون هیچ الزام قانونی‌ای در مورد این موضوع وجود ندارد.

تفحص از وزارت اقتصاد به صحن مجلس رسید

● **فارس:** رسیدگی به گزارش کمیسیون اقتصادی مبنی‌بر تصویب تقاضای تحقیق‌وتفحص از وزارت امور اقتصادی و دارایی در دستور کار جلسه هفته آینده خانه ملت قرار دارد. نمایندگان مجلس‌شورای‌اسلامی طی روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه هفته آینده تشکیل جلسه می‌دهند. رسیدگی به گزارش کمیسیون اقتصادی مبنی‌بر تصویب تقاضای تحقیق‌وتفحص از وزارت امور اقتصادی و دارایی در دستور کار جلسه هفته آینده خانه ملت قرار دارد.

وزیر نیرو خبرداد

تشکیل بازار خرید و فروش آب در دشت‌ها

● **ایلنا:** وزیر نیرو با اشاره به فرونشست زمین‌ها با توجه به برداشت بیش از حد مجاز از سفره‌های آب زیرزمینی گفت: ۵/۷میلیاردمترمکعب بیشتر از آنچه که باید از ذخایر زیرزمینی برداشت داشته‌ایم که موجب بیلان منفی شده است. حمید چیت‌چیان درخصوص خروجی شورایعالی آب طی مدت تشکیل آن گفت: در مدیریت آب، هم نیازمند مشارکت سازمان‌های دولتی و هم غیردولتی هستیم که در بخش دولتی در شورایعالی آب نمایندگان سازمان‌های مختلف زیر نظر رییس‌جمهور تصمیم‌گیری می‌کنند و در سطح منطقه‌ای نیز شوراهای هماهنگی حوضه‌های آبریز را ایجاد کرده‌ایم. وی درخصوص تشکیل بازار آب نیز گفت: بازار آب به این معناست که در هر محدوده مطالعاتی و دشت‌ها، بازاری ایجاد شود و کسانی که آب اضافی دارند یا کسانی که می‌خواهند آب بخرند در بازاری خرید و فروش انجام می‌شود. وزیر نیرو توضیح داد: با این شیوه، این امکان فراهم می‌شود تا مناطقی که آب ندارند بتوانند از مازاد دیگر مناطق استفاده کنند و ضمن اینکه کسانی که کشتشان اقتصادی نیست مازاد آبشان را به کشتی که دارای بهره‌وری بالاست اختصاص دهند. همچنین در صنعت نیز اگر کارخانه‌ای نیاز به آب داشته باشد می‌تواند از بازار کشاورزی آب خریداری کند.

(فرآورده های نفتی سرمایه ملی است)

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

نوبت اول

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران– مدیریت بازرگانی

موضوع مناقصه: خرید تعداد ۳۵ ست لوازم پشتیبان‌گیری Tape همراه با نصب و راه اندازی و آموزش در تهران و شهرستانها طی تقاضای شماره DSD-93182-TR ابزار پشتیبان گیری Tape

تاریخ، مهلت نشانی محل دریافت و تحویل استعلام کیفی مناقصه گران:

از کلیه تامین کنندگان مرتبط دعوت می گردد حداکثر ظرف مدت دو هفته از تاریخ انتشار آخرین آگهی روزنامه با مراجعه به سایتهای WWW.IETS.MPORG.IR و WWW.MONAGHESE.NIOPDC.IR بخش مناقصات ستاد نسبت به تکمیل فرم ارزیابی کیفی مربوط به مناقصه گران اقدام و این فرم را به همراه سایر مدارک درخواستی به اداره خریدهای داخلی این شرکت واقع در تهران خیابان ایرانشهر شمالی روبروی پارک هنرمندان جنب خیابان برادران شاداب پلاک ۱ طبقه دوازدهم تحویل نمایند تلفن های تماس: ۸۸۳۲۷۰۸۵-۸۴۱۲۱۰۴۸

تضمین شرکت در مناقصه: ارائه ضمانتنامه معتبر بانکی و یا اصل رسید وجه واریزی مبلغ ۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب این شرکت قابل قبول می باشد.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

(درست مصرف کنیم تا همیشه مصرف کنیم)